

گزارش پژوهشی :



# بررسی الگوی بانکداری مرکزی توسعه‌گرا

انديشکده اقتصاد مقاومتی |

گروه پول و بانک |

شهریور ماه ۱۳۹۸

رهبر معظم انقلاب: علاج برون رفت از مشکلات کشور «اقتصاد مقاومتی» است.

## معرفی اندیشکده اقتصاد مقاومتی

اندیشکده اقتصاد مقاومتی یک کانون تفکر با مأموریت «تصمیم سازی برای حل مسائل اقتصاد کشور در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی» است که در سال ۱۳۹۵ فعالیت رسمی خود را آغاز نمود.

شناسایی شبکه مسائل در هر حوزه موضوعی، طراحی راهکار برای حل مسائل احصاء شده و هم‌اندیشی جهت ارزیابی و تدقیق آن، بررسی تجربیات جهانی، طرح مباحث در فضای نخبگانی و رسانه‌ای و پیگیری راهکارهای ارائه شده از دستگاه‌ها و مسئولین مرتبط به منظور اتخاذ تصمیمات لازم، از جمله فعالیت‌هایی است که در اندیشکده انجام می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند از طریق سایت [Mett.ir](http://Mett.ir) با اندیشکده اقتصاد مقاومتی در ارتباط باشند و نظرات، انتقادات و پیشنهادهای خود را در خصوص این گزارش و همچنین سایر فعالیت‌های اندیشکده، مطرح کنند.

### بررسی الگوی بانکداری مرکزی توسعه‌گرا

پول و بانک	گروه موضوعی:
پژوهشی	نوع گزارش:
۱۳۹۸۰۶۲۰۵	شناسه:
۱۳۹۸/۰۶/۰۱	تاریخ انتشار:
یونس عباسی	تهیه و تدوین:
محمد امینی رعیا	ناظر علمی:

## خلاصه مدیریتی

یکی از مهم‌ترین تحولات مرتبط با اقتصاد پولی در دهه‌های گذشته، تحول در الگوهای مختلف بانکداری مرکزی بوده است. بر اساس نگاه جریان متعارف به بانک مرکزی، مهم‌ترین هدف این نهاد مسئله تورم باید باشد و مسائلی همچون بیکاری، اشتغال و تولید در زمره مسائل بانک مرکزی به شمار نمی‌آید. اما رویکرد غیرمتعارف به بانکداری مرکزی (که بانکداری مرکزی توسعه‌گرا نام دارد) در بسیاری از کشورها نشان‌دهنده سهم عمده بانک‌های مرکزی این کشورها در رشد اقتصادی و رونق گرفتن بخش‌های تولیدی این کشورها بوده است. در کشورهایی همچون ایران که عمده گرفتاری از سوی عرضه اقتصاد است و از کمبود سرمایه و تأمین مالی، بانک مرکزی می‌تواند با تأمین مالی و هدایت اعتبار به سمت بخش‌های تولیدی و مولد، رشد و اشتغال را در کشور به وجود آورد. این پژوهش به دنبال معرفی ویژگی‌ها و ابزارهای بانکداری مرکزی توسعه‌گرا و تجربیات موفق آن در دنیاست.

رویکرد بانکداری مرکزی در ایران و هدف‌گذاری آن با توجه به قوانین پولی و بانکی تصویب شده از ابتدای تأسیس بانک مرکزی مبتنی بر حفظ ارزش پول (به معنای توجه به تورم و کنترل آن) و توجه به رشد اقتصاد کشور بوده است. بحث استقلال بانک مرکزی از دهه ۱۹۹۰ و از زمان مواجهه کشورهای صنعتی بزرگ با تورم‌های بالا وارد متون اقتصادی شد. در آن شرایط، زمینه طرح این پرسش ایجاد شد که چرا بانک‌های مرکزی، سیاست‌های پولی انبساطی را برای تحقق رونق اقتصادی اجرا می‌کنند و در عمل باعث ایجاد تورم می‌شوند؟ به همین علت مسئله استقلال بانک مرکزی مطرح شد و اقتصاددانان نیز آن را از جهات مختلف بررسی کردند. اما برای اینکه بانک مرکزی بتواند وظایف خود به‌ویژه کنترل تورم را به شکل درست انجام دهد، نیازمند استقلال در ابعاد نهادی، کارکردی، پرسنلی و مالی است.

از بعد نهادی، بانک مرکزی باید یک نهاد یا شخصیت حقوقی مجزا و مستقل از دولت باشد و این شخصیت مستقل در وظایف و اختیارات خاص بانک مرکزی منعکس شود. استقلال کارکردی به نحوه عملکرد بانک مرکزی در انجام وظایف و دسترسی به اهدافش بازمی‌گردد. بانک مرکزی مستقل باید بتواند در راستای دستیابی به اهدافش به‌طور مستقل و بدون دستور یا مداخله دولت فعالیت کند. استقلال پرسنلی نیز به دوره تصدی، تخصص حرفه‌ای، وابستگی سیاسی و همکاری میان کارکنان بانک مرکزی اشاره دارد. استقلال مالی بانک مرکزی به معنای توانایی بانک برای رسیدن به اهداف خود با استفاده از منابعی است که در اختیار دارد. در کنار این مباحث، عده‌ای نیز به نقد نظریه استقلال بانک مرکزی پرداخته‌اند. برون‌زایی پول و نظریه ضریب فزاینده، ظرفیت‌های توسعه‌ای نهفته در پول، رد نظریه جهان‌شمول تورم، افزایش بی‌ثباتی مالی و نابرابری رد



امکان قطع اتصال بودجه دولت و بانک مرکزی و مطالعات تجربی مخالف از جمله دلایلی است که مخالفان نظریه استقلال بانک مرکزی در رد این نظریه مطرح کرده‌اند.

بانکداری مرکزی توسعه‌گرا رویکردی غیرمتعارف به بانکداری مرکزی است که در مقابل رویکرد متعارف (استقلال بانک مرکزی) قرار می‌گیرد. بانکداری مرکزی زمانی توسعه‌گراست که در سیاست‌ها و تنظیم‌گری‌های خود به مخاطره‌های فرآیند توسعه از جمله مخاطره‌های زیست‌محیطی برای سیستم پولی و بانکی کشور توجه کند و اثر سیاست‌های پولی و تنظیم‌گری‌های مالی بر فرآیند توسعه را به حساب بیاورد. بنابراین توجه به «برنامه توسعه پایدار» و همچنین «هدایت اعتبار» به سمت تولید، اشتغال و توسعه از جمله مهم‌ترین اهداف بانک مرکزی با رویکرد توسعه‌گراست. از منظر تاریخی، دیدگاه توسعه‌گری بانکداری مرکزی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، یک قاعده و هنجار بود که موفقیت‌های قابل توجه فراوانی را برای کشورهایی مانند کره جنوبی، تایوان، برزیل، هند و چین رقم زد.

تأمین سرمایه برای نهادهای توسعه‌ای مانند بانک‌های توسعه‌ای کشاورزی و صنعتی، گسترش اعتبار به بانک‌های توسعه‌ای و خرید اوراق آن‌ها، خرید بخش کوچکی از سهام بانک‌های توسعه‌ای، تأسیس صندوقی برای ایجاد بازاری برای اوراق بهادار نهادهای تأمین مالی توسعه‌ای مختلف و استفاده از نرخ‌های تنزیل متفاوت برای تخصیص اعتبار به طرح‌های توسعه‌ای از جمله روش‌ها و ابزارهایی است که بانک‌های مرکزی توسعه‌گرا در راستای تحقق اهداف توسعه‌ای خود به کار می‌گیرند. همچنین اعطای خط اعتباری با نرخ ترجیحی، تبدیل اضافه برداشت قبلی بانک از بانک مرکزی به خط اعتباری با نرخ پایین و تضمین عمده تسهیلات اعطایی بانک به طرح‌های موردنظر توسط دولت از جمله امتیازاتی است که بانک‌های مرکزی توسعه‌گرا به بانک‌هایی که اقدام به تأمین مالی مقاصد هدایت اعتبار کنند، اعطا می‌کنند.

در اوایل قرن نوزدهم، اقتصاددانان آلمانی به این نتیجه رسیدند که قدرت خلق اعتبار بانک‌ها باید برای فعالیت‌های مولد و حداکثر کردن رشد و رفاه جامعه و توسعه یک جامعه مبتنی بر عدل استفاده شود. پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول، برنامه هدایت اعتبار توسط بانک مرکزی آلمان اجرا شد. بانک مرکزی آلمان از طریق نرخ تنزیل مجدد و سهمیه‌های رشد وام‌دهی، بانک‌ها را متناسب با اهداف خود تشویق یا مجازات می‌کرد. سیاست هدایت اعتبار تا حدود ده سال پس از پایان جنگ جهانی دوم هم ادامه داشت.

رویکرد بانکداری مرکزی توسعه‌گرا هم‌زمان با آلمان در ژاپن نیز ایجاد شد. در دهه ۱۹۳۰، هر دو کشور آلمان و ژاپن، به جای قرض گرفتن از بانک‌های بین‌المللی، اقتصادشان را از طریق اعتبار ملی بدون بهره تأمین مالی کردند. بانک مرکزی ژاپن به‌عنوان مرکز کنترل هدایت اعتبار عمل کرد. به دلیل کنترل‌های اعتباری بانکی، منابع بانکی می‌توانستند به صنایع با اهمیت استراتژیک تخصیص داده شوند. بنابراین سیاست هدایت اعتبار اصلی‌ترین سازوکار انگیزشی در اقتصاد ژاپن در راستای اهداف تعیین‌شده دولت بود.

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۶
فصل ۱. رویکرد بانکداری مرکزی در کشور.....	۷
فصل ۲. نقد و بررسی نظریه استقلال بانک مرکزی.....	۸
۲-۱- انتقادات وارد بر تئوری استقلال بانک مرکزی.....	۱۰
۲-۱-۱- برون‌زایی پول (تئوری ضریب فزاینده).....	۱۰
۲-۱-۲- ظرفیتهای توسعه‌های نهفته در پول.....	۱۱
۲-۱-۳- رد نظریه جهان‌شمول از تورم.....	۱۲
۲-۱-۴- مغایرت با معیارهای دموکراتیک.....	۱۲
۲-۱-۵- افزایش بی‌ثباتی مالی؛ رد این‌همانی ثبات قیمتی و ثبات مالی.....	۱۳
۲-۱-۶- حمایت از بخش مالی.....	۱۳
۲-۱-۷- خدمت به نابرابری.....	۱۴
۲-۱-۸- مطالعات تجربی مخالف.....	۱۶
۲-۱-۹- رد امکان قطع اتصال بودجه دولت و بانک مرکزی.....	۱۷
۲-۱-۱۰- عدم انحصار «تخصصی بودن» به حوزه سیاست پولی.....	۱۸
۲-۱-۱۱- تجربه توفیق «اقتصادهای حرکت‌کننده با اعتبار» خارج از پارادایم متعارف.....	۱۸
۲-۱-۱۲- تردید در کارایی ابزار نرخ بهره.....	۱۹
۲-۱-۱۳- دور زدن استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی.....	۲۱
۲-۱-۱۴- امکان‌ناپذیری استقلال بانک مرکزی در معنای مصطلح.....	۲۱
۲-۱-۱۵- اهمیت نرخ ارز حقیقی.....	۲۲
۲-۱-۱۶- اهمیت انگیزه‌ها در برابر قوانین.....	۲۳
فصل ۳. الگوی بانکداری مرکزی توسعه‌گرا و اهداف و خواستگاه آن.....	۲۴
فصل ۴. ابزارهای بانک مرکزی توسعه‌گرا.....	۲۶
فصل ۵. تجربیات کشورها در زمینه بانکداری مرکزی توسعه‌گرا.....	۲۸
۵-۱- آلمان.....	۲۸
۵-۲- ژاپن.....	۲۹
منابع.....	۳۴

## فهرست جداول

جدول ۱. ضریب جینی جهانی از ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰.....	۱۶
--	----

## فهرست نمودارها

- نمودار ۱. پرداختی به سرمایه نسبت به نیروی کار در آمریکا طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۷..... ۱۶
- نمودار ۲. شاخص بهره‌وری نیروی کار و شاخص دستمزد واقعی نیروی کار..... ۱۷
- نمودار ۳. همسویی متوسط تورم و رشد اقتصادی در دوره جهش اقتصادی و پس از آن در کره جنوبی ..... ۲۰
- نمودار ۴. همسویی متوسط تورم و رشد اقتصادی در دوره جهش اقتصادی و پس از آن در ژاپن..... ۲۰